

تحلیل نابرابری اجتماعی در برخورداری از کاربری‌های خدمات شهری مورد مطالعه: شهر اسفراین

حسین حاتمی نژاد* - استادیار دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران
رحمت ا... فرهودی - استادیار دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران
مرتضی محمدپور جابری - کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری
پذیرش مقاله: ۱۳۸۵/۱۱/۱۶ تایید نهایی: ۱۳۸۶/۸/۳۰

چکیده

یکی از مهمترین پیامدهای رشد شتابان شهرنشینی و توسعه فیزیکی شهرهای کشور در دهه‌های اخیر از هم پاشیدگی نظام توزیع مراکز خدماتی شهری بوده که زمینه ساز نابرابری اجتماعی شهروندان در برخورداری از این خدمات شده است. در این پژوهش رابطه بین سطح اقتصادی-اجتماعی شهروندان و میزان برخورداری از کاربری‌های خدمات شهری در شهر اسفراین مورد بررسی قرار گرفته است. داده‌های پژوهش از طریق پرسشنامه و طرح تفصیلی بدست آمده است. با استفاده از «شاخص ناموزون موریس»، محلات از نظر ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی ساکنین آن و همچنین سطح برخورداری از کاربری‌های خدماتی سطح بندی و مقایسه شده‌اند. نتایج حاصله نشان می‌دهد طبقات اقتصادی-اجتماعی برتر از کاربری‌های خدماتی مطلوب‌تری برخوردارند و الگوی توزیع کاربری‌های خدماتی به نفع گروه‌های مرفه‌تر عمل کرده است.

واژه‌های کلیدی: کاربری‌های خدمات شهری، نابرابری اجتماعی، عدالت اجتماعی، محله، اسفراین

مقدمه

به‌رغم این که وجود نابرابری در استاندارد زیست در بین ساکنین یک شهر پدیده جدیدی در هیچ یک از شهرهای جهان نیست اما در کشورهای کمتر توسعه یافته به دلیل فاحش‌تر بودن تفاوت‌های اجتماعی-اقتصادی و پیدایش سکونتگاه‌های زیر استاندارد و گسترش خوش نشینی، تفاوت فضایی شهرها تشدید شده است (عبدی دانشپور، ۱۳۷۸، ۳۷). سکونت اقشار کم درآمد در مکان‌هایی که جاذب سایر گروه‌های اجتماعی نیست، به تمرکز فقر می‌انجامد و این فرآیند به جدایی‌گزینی طبقه کم درآمد از سایر گروه‌های اجتماعی منجر می‌شود (شاه حسینی، ۱۳۸۴، ۱۵۸). الگوی توزیع مراکز خدمات شهری از جمله عواملی است که باعث ارزش متفاوت زمین شهری شده و به جدایی‌گزینی‌های گروه‌های انسانی دامن می‌زند. بنابراین نقش برنامه ریزان شهری در ایجاد و تقویت جدایی‌گزینی‌های اجتماعی و تفاوت در سطح زندگی شهروندان امری بدیهی و غیر قابل انکار است.

در بررسی مسائل شهری در قالب توسعه پایدار فرض بر این است که چنانچه هزینه ای بدون در نظر گرفتن مکانیزم های برابری، صرف توسعه زیرساخت‌ها، تجهیزات و خدمات شهری شود، خود باعث تشدید نابرابری بین اقشار مختلف جمعیت شهری می‌گردد (Bolary et al, 2005, 629). در کشورهای صنعتی تمام تسهیلات رفاهی اساسی با هزینه ای مناسب در دسترس ساکنین شهری است. اما در مقابل اکثریت شهروندان در کشورهای در حال توسعه دسترسی مناسبی به خدمات اساسی ندارند. در بسیاری از نواحی دارای رشد شهرنشینی شتابان در کشورهای جهان سوم، تقاضا برای خدمات عمومی خیلی بیشتر از ظرفیت عمومی و امکانات خصوصی موجود است. بر این اساس می‌توان استدلال کرد که در بعضی از شهرها وضعیتی بحرانی به سرعت در حال وقوع است که این امر علاوه بر کمبود منابع، نتیجه رشد برنامه ریزی نشده و الگوی نامناسب توزیع خدمات است (Danier & takahashi, 1999, 272).

امروزه بحث از عدالت اجتماعی در کانون مطالعات شهری در تمامی رشته های مرتبط قرار دارد. تحقق عدالت اجتماعی در شهرها در نهایت به رضایت شهروندان از شیوه زندگی خود منجر شده و به ثبات سیاسی و اقتدار ملی کمک شایانی خواهد نمود. از نقطه نظر جغرافیایی عدالت اجتماعی شهر مترادف با توزیع فضایی عادلانه امکانات و منابع بین مناطق مختلف شهری و دستیابی برابر شهروندان به آنها است زیرا عدم توزیع عادلانه آنها به بحران های اجتماعی و مشکلات پیچیده فضایی خواهد انجامید (شریفی، ۱۳۸۵، ۶). از طرف دیگر وجود نابرابری در کیفیت زندگی، گروه های محروم را متوجه گروه های مرجع نموده و مشکلات دیگری را ایجاد می‌کند (جاجرمی و کلت، ۱۳۸۵، ۷). بنابراین مهمترین رسالت برنامه ریزان و مدیران شهری در این زمینه تلاش برای دستیابی به آرمان «فرصت های برابر» در دسترسی گروه های مختلف جامعه شهری به خدمات شهری و از بین بردن تضاد در تأمین فرصت های آموزشی، بهداشتی، خدماتی و مانند آن است. در راستای رسیدن به چنین هدفی رعایت اصل برابری و دستیابی برابر به فرصت های زیست شهری از اولویت های اساسی است.

شهر اسفراین در استان خراسان شمالی از جمله شهرهایی است که دارای هسته روستایی بوده و از به هم پیوستگی ۱۹ روستای کوچک تشکیل شده است. هر کدام از این روستاها در گذشته به عنوان یک محله شهری شناخته می شدند و دارای ویژگی های کالبدی و فرهنگی مشخصی بودند. به تدریج، با رشد شتابان جمعیت و اسکان مهاجران روستایی در بخش های حاشیه ای شهر از یک طرف و اجرای طرح ها و برنامه های شهری از طرف دیگر تحولات کالبدی و اجتماعی چشمگیری به وقوع پیوست که یکی از مهمترین پیامدهای آن کم رنگ شدن هویت محله ای و افزایش نقش عوامل اقتصادی- اجتماعی در تعیین محله مسکونی بوده است. در این پژوهش تلاش می‌شود تا ضمن تفکیک و سطح بندی محلات شهر اسفراین از لحاظ وضعیت اقتصادی- اجتماعی ساکنین و الگوی توزیع کاربری های خدمات شهری به این دو سؤال اساسی پاسخ داده شود که آیا بین سطح اقتصادی- اجتماعی ساکنین محلات و میزان برخورداری محلات از کاربری های خدماتی رابطه معنی داری وجود دارد؟ و آیا نحوه توزیع کاربری های شهری به عنوان عاملی در جهت جدایی گزینی های مسکونی عمل کرده است؟

پیشینه تحقیق

مفهوم عدالت اجتماعی از دهه ۱۹۶۰ وارد ادبیات جغرافیایی شده، اما ریشه این نوع جغرافیای مردمی که در جهت رسیدن به عدالت اجتماعی تلاش می کند، به پیشنهادات پترو کروپتکین در زمینه پیکار علیه فقر، ناسیونالیسم اروپایی و نژاد پرستی در بیش از یک قرن قبل بر می گردد (شکویی، ۱۳۸۲، ۱۸۹). از دهه ۱۹۷۰ با افزایش طرفداران جغرافیای رادیکال این بحث بطور جدی در جغرافیا مطرح شد. به طوریکه دیوید هاروی با کتاب «عدالت اجتماعی و شهر» و دیوید اسمیت با کتاب «جغرافیا و عدالت اجتماعی» این مفهوم را به طور جدی در جغرافیا مطرح نمودند (مرصوص، ۱۳۸۲، ۱۴).

به طور کلی بحث عدالت اجتماعی در ایران به صورت مستقیم و غیر مستقیم در مقالات ارائه شده به سمینارها، کنگره ها و مجلات ادواری جغرافیا دیده می شود که در زمینه های مختلف نابرابری های جهانی، منطقه ای، درون شهری، روستا-شهری و مانند آن قابل تقسیم بندی هستند اما مقالات و کتبی که به زبان فارسی با بنیان های فلسفی به مسأله عدالت اجتماعی پرداخته باشند، محدودند که از جمله این منابع می توان به آثار حسین شکویی و دیوید هاروی اشاره کرد. آثاری که به نابرابری های درون شهری پرداخته اند عمدتاً به بحث حاشیه نشینی، مشاغل غیررسمی، مسکن ارزان قیمت و چگونگی توزیع فضایی خدمات شهری پرداخته اند. در سال های اخیر رساله های چندی بی عدالتی های درون شهری را مورد بررسی قرار داده اند که از جمله می توان به رساله عماد افروغ (۱۳۷۶)، حسین حاتمی نژاد (۱۳۷۹)، نفیسه مرصوص (۱۳۸۲) و عبدالنبی شریفی (۱۳۸۵) اشاره کرد.

دیدگاه های رایج در زمینه فضای شهری و نابرابری های اجتماعی

الف) دیدگاه کارکردگرایی در فضا و نابرابری اجتماعی

دیدگاه کارکردگرایان نسبت به نابرابری اجتماعی در جغرافیای شهری بیشتر در قالب نظریات اکولوژیست ها مطرح شده است. در این مکتب در زندگی اجتماعی شهرها، طرح اکولوژی گیاهی ارنست هاگل به کار گرفته شده زیرا بنیانگذاران مکتب شیکاگو معتقدند گروه های شهری با هر پایگاه اجتماعی و اقتصادی و قومی، مانند گونه های گیاهی، با حرکت به سوی تعادل و توازن، همه مراحل اکولوژیک را در زیستگاه خویش در طول زمان طی می کنند (شکویی، ۱۳۷۹، ۱۲۷). نظریه پردازان کارکردگرایی از وجه جهانی و همیشگی بودن نابرابری نتیجه می گیرند که نابرابری وجه اساسی هر سازمان اجتماعی است و ضرورتی است کارکردی که در جهت کارکرد مؤثر جامعه ایفای نقش می کند. دیویس و مور دو ملاک عمده را برای اهمیت کارکردی یک موقعیت ارائه می کنند: الف) میزان کمیابی موقعیت در مقایسه با سایر موقعیت ها، ب) میزان وابستگی سایر موقعیت ها به موقعیت مورد نظر. از دیدگاه آنان نابرابری اجتماعی طرحی ناآگاهانه است که از طریق آن جوامع مطمئن می شوند که مهمترین موقعیت ها به طور خودآگاه توسط شایسته ترین افراد اشغال خواهد شد (افروغ، ۱۳۷۷، ۱۷۲).

به عقیده رابرت پارک، فرایندهای طبیعی و درونی شهر به گونه‌ای به رقابت بر سر منابع کمیاب برمی‌گردد که در نهایت به انطباق اکولوژیک می‌انجامد. رقابت در اجتماع برای ایجاد تعادل اجتماعی است. رقابت بین افراد و گروه‌های شغلی و طبقاتی به همکاری رقابت آمیز از طریق تمایزیافتگی کارکردی و توزیع فضایی موزون کار کردها در نواحی مربوط منجر می‌شود. به تعبیر پارک، تمایزیافتگی کارکردی، به طور فضایی نیز تبلور پیدا می‌کند زیرا رقابت نه تنها باعث تقسیم کار می‌شود بلکه گروه‌های مختلف اقتصادی را به نواحی گوناگون شهر می‌پراکند. به عقیده وی فشار بر فضا در مرکز شهر باعث افزایش ارزش زمین می‌شود و تفاوت در ارزش زمین مکانیزمی است که توسط آن گروه‌های مختلف کارکردی در فضا به شیوه‌ای منظم و بدون برنامه ریزی پخش می‌شوند (همان‌جا، ۲۰۳-۲۰۲).

ب) دیدگاه قدرت در فضا و نابرابری اجتماعی

به نظر مارکس بر مبنای موقعیت‌ها و وظایف گوناگونی که افراد در ساختار تولید جامعه دارند، طبقه اجتماعی شکل می‌گیرد. دو عامل اصلی در تشکیل طبقه اجتماعی دخیل است: شیوه تولید (کشاورزی، پیشه‌وری، صنعتی) و مناسبات تولید. در نگاه مارکس، داشتن موقعیت‌های متفاوت در ارتباط با وسایل تولید، میان افراد جامعه تضاد ایجاد می‌کند (تامین، ۱۳۷۳، ۷-۶).

مارکس و انگلس فضای شهری را قلمرویی می‌دیدند که فرایندهای درهم تنیده انباشت سرمایه و ستیز طبقاتی در آن تمرکز می‌یابد. در شهرهای بزرگ، تجارت، تولید کارخانه‌ای، تمرکز مالکیت و تمرکز جمعیت به بالاترین حد خود می‌رسد و یک طبقه غنی و یک طبقه فقیر ظاهر می‌شود. در شهرها گرایش سرمایه به تمرکز و گرایش طبقات اجتماعی به قطبی شدن، عینیت و گسترش می‌یابد. در مجموع، دو نکته به طور اخص در دیدگاه مارکس موجود است که مبرهن شدن رابطه فضا و نابرابری اجتماعی را یاری می‌دهد: اول نگاه وی به شهر از بعد تولید، انباشت و تمرکز سرمایه، دوم توجه به شهر به مثابه زمینه‌ای برای تمرکز اکولوژیک طبقه کارگر و در نتیجه، ظهور خودآگاهی طبقاتی به مثابه عامل مهم در شکل‌گیری طبقات است (افروغ، ۱۳۷۷، ۲۰۵-۲۰۴).

بر عکس تفسیر مارکس از پیدایش نابرابری‌های اجتماعی بر پایه بعد اقتصادی که او آن را مهمترین سازه در زندگی اجتماعی می‌دید، ماکس وبر بر این باور بود که ارائه یک تفسیر تک بعدی از پدیده اجتماعی پیچیده‌ای چون نابرابری‌های اجتماعی از اهمیت این پدیده می‌کاهد (کمالی، ۱۳۷۹، ۱۰۸). وبر اهمیت شاخص‌های اقتصادی را در رشد نابرابری‌های اجتماعی نادیده نمی‌گیرد. برای او نیز چون مارکس، مالکیت نقش تعیین‌کننده‌ای در توزیع امکانات عرضه شده به فرد یا به طبقه ایفا می‌کند. با این وصف، او به این بعد اقتصادی دو بعد دیگر اضافه کرد: قدرت و حیثیت. در نگاه او مالکیت و قدرت و حیثیت با وجود وابستگی متقابل‌شان سه بنیان متمایزند که بر روی آن‌ها نظام قشربندی در هر جامعه‌ای سامان می‌یابد. تفاوت در برخورداری از مالکیت اموال منشاء طبقه‌بندی اجتماعی است، تقسیم نابرابر قدرت به تشکیل احزاب سیاسی می‌انجامد و درجات حیثیت گوناگون منشاء پیدایش قشرهای اجتماعی است که از دارندگان پایگاه‌های اجتماعی

مشابه تشکیل شده اند (تامین، ۱۳۷۹، ۱۰-۹). بنابراین از نظر ویر رابطه فضا و نابرابری را نباید تنها از بعد طبقاتی آن نگریست بلکه گروه بندی‌های منزلتی نیز آثار و دلالت‌هایی برای تحلیل فضا و نابرابری در محیط شهری دارند (افروغ، ۱۳۷۷، ۲۱۴).

نظریه عدالت اجتماعی در جغرافیای شهری

نابرابری افراد از لحاظ ثروت، قدرت و شأن اجتماعی، با وجود شباهت استعدادهای شان واقعیت انکارناپذیر در همه جوامع بوده است. وانگهی هیچ ارتباط معناداری میان نابرابری در ثروت و قدرت و نابرابری در استعدادهای طبیعی وجود نداشته است. بنابراین، دفاع از این نابرابری‌ها و یا نفی آن‌ها موضوع اصلی بحث عدالت را تشکیل می‌دهد (بشیریه، ۱۳۷۵، ۳۶). از نظر برایان بری نظریه عدالت اجتماعی نظریه‌ای است که درباره نوع ترتیبات اجتماعی بوده و قابل دفاع باشد. وی معتقد است در حالی که عدالت اجتماعی یک مفهوم بسیار وسیع است، اغلب توجه بر روی توزیع درآمد و سایر منابع مرتفع کننده نیاز مردم است که به شرایط مادی جمعیت بستگی دارد (Barry, 1989, 3).

جان رالز که از نظریه پردازان علوم سیاسی بود در سال ۱۹۷۱ تئوری عدالت را مطرح نمود. تئوری جان رالز به رغم اینکه موضوعی گسترده و نتیجتاً انتقاد برانگیز بود ولی هنوز تا حد بسیار زیادی نفوذ خود را در برخی از مباحث اخیر عدالت اجتماعی حفظ کرده و همچنین در طرح یک چارچوب نظری در خصوص «نیاز انسان» مؤثر بوده است (Johnston et al, 1994, 564). رالز با لحاظ نمودن دو اصل موقعیت عادلانه خود را ارائه می‌دهد: اول بهره‌مندی از آزادی حداکثری تا حدی که به آزادی دیگران لطمه وارد نسازد؛ دوم این که نابرابری را در حدی می‌پذیرد که به منافع طبقه کم درآمد جامعه لطمه‌ای وارد نسازد (شریف زادگان، ۱۳۸۵، ۱۳). بنابراین وی معتقد است که سیاست‌های اجتماعی بایستی بر حسب تأثیر بر فقیرترین اعضای جامعه مورد قضاوت قرار گیرد. به عبارت دیگر بایستی اقداماتی انجام پذیرد که طی آن سود فقرا بر منافع ثروتمندان ترجیح داده شود (Smith, 1996, 787).

دیوید هاروی، اولین جغرافیادانی بود که مفهوم عدالت اجتماعی را در کمک به خیر و صلاح همگانی، ملاک توزیع درآمد در مکان‌ها، تخصیص عادلانه منابع و رفع نیازهای اساسی مردم به کار گرفت (شکویی، ۱۳۷۸، ۱۴۱). به عقیده هاروی مفهوم عدالت اجتماعی اصولاً آنقدر همه شمول نیست که بتوان در قالب آن درباره یک اجتماع خوب قضاوت کرد. عدالت را اساساً می‌توان به عنوان اصل (یا مجموعه‌ای از اصول) در نظر گرفت که برای حل و فصل دعاوی متضاد به وجود آمده است. اصول عدالت اجتماعی باید ناظر بر تقسیم ثمرات تولید و توزیع مسئولیت‌ها در فرآیند کار جمعی باشد. این اصول همچنین شامل نهادها و سازمان‌های اجتماعی مرتبط با فعالیت تولید و توزیع نیز می‌شود. لذا به کمک این اصول می‌توان مسائل متنوعی مانند مکان‌یابی قدرت و توانایی تصمیم‌گیری، توزیع نفوذ نهادهای کنترل‌کننده و تنظیم‌کننده فعالیت‌ها و جز آن را بررسی کرد (هاروی، ۱۳۷۶، ۹۷).

هاروی در تحلیل اصول عدالت اجتماعی سه معیار مهم «نیاز»، «منفعت عمومی» و «استحقاق» را مطرح می‌کند و معتقد است این سه معیار از جامعیت کاملی برخوردارند که معیارهای دیگر را نیز دربرمی‌گیرد (حاتمی‌نژاد و راستی، ۱۳۸۵، ۴۷). هاروی بر جنبه‌های اخلاق‌گرایانه جغرافیا در خصوص تأمین عدالت اجتماعی و رسالت جغرافیادانان در تأمین عدالت فضایی تأکید دارد (Harvey, 1969, 3-8). وی مسأله علم جغرافیا را به منظور اجرای عدالت اجتماعی

دستیابی به نوعی سازمان یابی فضایی می‌داند و معتقد است که شرط لازم و اولیه چنین کاری این است که معیار اجتماعی عادلانه‌ای اولاً برای تعیین حد و مرز مناطق و ثانیاً برای تخصیص منابع به این مناطق داشته باشیم. شرط اول مربوط به مطالعات سنتی جغرافیا یعنی منطقه بندی است و در زمینه تخصیص منابع نیز هاروی پایبند این استدلال رالز است که بیشترین منابع باید به محروم‌ترین منطقه اختصاص یابد (هاروی، ۱۳۷۶، ۱۱۳). در این پژوهش نظریه عدالت اجتماعی و به‌خصوص عقاید دیوید هاروی در زمینه لزوم به‌کارگیری اصول عدالت اجتماعی در برنامه‌ریزی شهری و برخورداری برابر شهروندان از خدمات و امکانات شهری به عنوان مبنای نظری پژوهش مد نظر قرار گرفته است.

مواد و روش‌ها

نوع تحقیق این پژوهش کاربردی و روش بررسی آن مبتنی بر روش توصیفی و تحلیلی است. به منظور جمع‌آوری اطلاعات از روش‌های مختلف اسنادی، کتابخانه‌ای و میدانی استفاده شده است. در روش اسنادی و کتابخانه‌ای مبانی نظری مرتبط با موضوع تحقیق بررسی شده و آمار و اطلاعات کاربردی‌های شهری از طرح تفصیلی اخذ گردیده و نهایتاً از روش میدانی برای کسب اطلاعات پرسشنامه‌ای سود جسته شده است.

به منظور دستیابی به اهداف این تحقیق که بررسی رابطه بین وضعیت اقتصادی-اجتماعی ساکنین محلات شهری و نحوه توزیع کاربری‌های خدمات شهری است، از شاخص ناموزون موریس استفاده شده است. در ابتدا شاخص‌های مناسب در تعیین وضعیت اقتصادی-اجتماعی خانوارهای شهری استخراج و در قالب سه دسته شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی و کالبدی تقسیم بندی شده است. اطلاعات مربوط به اغلب این شاخص‌ها از طریق پرسشنامه و چند شاخص نیز از طرح تفصیلی استخراج شده است.

در این پژوهش، جامعه آماری خانوارهای ساکن در شهر اسفراین می‌باشد و تعیین حجم نمونه نیز با روش کوچران انجام شده است. حجم نمونه بدست آمده ۲۱۰ خانوار بوده که توزیع پرسشنامه‌ها به نسبت جمعیت محلات و به صورت تصادفی تکمیل شده است.

پس از تعیین سطوح اقتصادی-اجتماعی ساکنین محلات، مجدداً با استفاده از روش موریس بر اساس سرانه هر کدام از کاربری‌های خدماتی، محلات سطح بندی شده‌اند و در نهایت رابطه بین سطح اقتصادی-اجتماعی ساکنین محلات و میزان برخورداری از کاربری‌های خدمات شهری استخراج شده است. به منظور سطح‌بندی محلات، محاسبه میزان همبستگی بین شاخص‌های نهایی با یکدیگر و همچنین میزان همبستگی بین سطح اقتصادی-اجتماعی محلات با سطح برخورداری محلات از کاربری‌های خدماتی از نرم افزار SPSS و به منظور ترسیم نقشه و نمایش سطوح محلات از نرم افزار ARC/GIS استفاده شده است.

شاخص‌هایی که به منظور تعیین سطح اقتصادی-اجتماعی ساکنین محلات شهر اسفراین به کار رفته عبارتند از: شاخص‌های اقتصادی (شامل درآمد^۱، قیمت زمین، درصد مالکیت منزل مسکونی، درصد بهره‌گیری

۱. اطلاعات خام شاخص‌هایی مانند درآمد، قیمت زمین، نوع شغل و سطح سواد که در چند سطح تقسیم می‌شدند قبل وارد شدن در مدل موریس در ضرایب جداگانه‌ای ضرب شده تا هم به یک ضریب واحد تبدیل شود و هم میزان اهمیت هر کدام از سطوح لحاظ شده باشد.

از نهادهای حمایتی، درصد برخورداری از موبایل، درصد برخورداری از کامپیوتر، شاخص های اجتماعی (بار تکفل، درصد شاغلین زن، درصد پوشش بیمه درمانی، درصد برخورداری از اینترنت، پایگاه شغلی، سطح سواد) و شاخص های کالبدی (سرانه مسکونی، سرانه اتاق به نفر، درصد مسکن بیش از یک طبقه، درصد مسکن دارای نمای مناسب، درصد مسکن نوساز با عمر کمتر از ده سال، درصد مسکن با مصالح بادوام). شاخص هایی نیز که برای سطح بندی محلات از نظر میزان برخورداری از کاربری های شهری استفاده شده اند عبارتند از: سرانه تجاری، آموزشی، فرهنگی، جهانگردی و پذیرایی، بهداشتی و درمانی، ورزشی، پارک و فضای سبز، مذهبی، صنعتی، انبار و حمل و تعمیرگاه و ترابری.

نکته مهم در روش موريس که با استفاده از داده های توصیفی هر واحد در مقایسه با واحدهای دیگر و با بهره برداری از دو پارامتر زیر سطح توسعه یافتگی انجام می شود این است که شاخص های بکار گرفته شده باید همسو یا هم جهت باشند. ضریب شاخص توسعه موريس بین صفر تا ۱۰۰ نوسان دارد که هر چه به ۱۰۰ نزدیکتر باشد، سطح توسعه یافتگی بیشتر است (فرودی، ۱۳۸۳).

یافته های تحقیق

به منظور بررسی تفاوت سطح اقتصادی- اجتماعی ساکنین محلات شهر اسفراین و میزان ارتباط آن با برخورداری از کاربری های خدماتی شهر ابتدا با استفاده از شاخص ناموزون موريس به رتبه بندی محلات این شهر از نظر سطح اقتصادی- اجتماعی ساکنین هر کدام از محلات پرداخته شد و مجدداً محلات بر اساس سرانه کاربری های مورد نظر سطح بندی گردید که نتایج آن در جداول ۱ و ۴ به تفکیک نشان داده شده است.

برای نمایش تفاوت های موجود در وضعیت اقتصادی- اجتماعی ساکنین محلات شهر اسفراین، محله ها در چهار دسته سطح بندی گردیده که به ترتیب سطح یک، محلات محل سکونت اقشار دارای سطح اقتصادی- اجتماعی بالاتر و سطح چهار محلات اشغال شده توسط خانوارهای ضعیف تر است که شکل ۱ این تفاوت ها را نشان می دهد.

مقایسه بین رتبه و نهایتاً سطح بندی محلات بیانگر یک روند کاهش نسبی در وضعیت اقتصادی- اجتماعی ساکنین محلات مرکزی به حاشیه شهر است به طوری که معمولاً محلات مرکزی شهر رتبه نهایی برتری کسب نموده اند و در سطوح بالاتر قرار گرفته اند و بتدریج به سمت محلات حاشیه ای این وضعیت برعکس می شود. هم چنین در بخش مرکزی شهر نیز نیمه شمالی آن که دارای فضاهای سبز بیشتر و بناهای متروکه و قدیمی کمتری است، از وضعیت مناسب تری برخوردار می باشد. از دیگر نکات قابل مشهود در جدول ۱، رتبه پانزدهم در ضریب نهایی هر سه شاخص برای محله ویژه صنعتی است که بیشتر به خاطر دوری از مرکز شهر، وجود درصد بالای کاربری های ناسازگار با کاربری های مسکونی و نهایتاً اسکان اقشار کم درآمد و شاغل در صنایع و کارگاه ها و انبارهای این محله است. همچنین محله ۳-۲ که با وجود دارا بودن رتبه ۸ و ۷ در رتبه های اقتصادی و اجتماعی در رتبه بندی شاخص نهایی کالبدی رتبه اول را بدست آورده، در واقع یک شهرک مسکونی است که

به دلیل نوساز بودن و سازمانی بودن اغلب بناهای مسکونی آن از نظر شاخص‌های کالبدی رتبه مناسبی کسب کرده اما بیشتر توسط اقشار اقتصادی-اجتماعی دارای وضعیت متوسط اشغال شده است. مقایسه نتایج نهایی شاخص‌های سه گانه در سطح محلات نشان می‌دهد که ضریب شاخص‌های نهایی کلی متفاوت بوده و از حداقل ۱۲/۱۷ تا حداکثر ۷۶/۱ نوسان دارد. وضعیت اقتصادی-اجتماعی ساکنین محلات بر مبنای شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و کالبدی به ترتیب از ۱۱/۰۳ تا ۸۶/۱۵، ۵/۶۱ تا ۹۴/۱۱ و ۱۹/۸۷ تا ۸۱/۵۳ نوسان دارد. در واقع نوسانات ضریب نهایی شاخص اجتماعی در بین محلات بیشتر از شاخص‌های اقتصادی و کالبدی است که بیشتر به دلیل اسکان مهاجران روستایی در محلات حاشیه ای شهر است که اگرچه ممکن است از نظر شاخص‌های اقتصادی و کالبدی تفاوت کمتری با ساکنین محلات مرکزی داشته باشند اما از نظر شاخص‌های اجتماعی مثل سواد و نوع شغل این تفاوت‌ها از نمود بیشتری برخوردار است.

جدول ۱ رتبه و سطح بندی محلات شهر اسفراین بر اساس وضعیت اقتصادی-اجتماعی ساکنین

محلات	شاخص نهایی اقتصادی		شاخص نهایی اجتماعی		شاخص نهایی کالبدی		رتبه	سطح اقتصادی-اجتماعی
	رتبه	مقدار	رتبه	مقدار	رتبه	مقدار		
۱-۱	۱۰	۲۱/۲۸	۱۰	۲۷/۳۹	۹	۴۱/۴۵	۱۰	III
۱-۲	۵	۶۷/۶۲	۵	۵۳/۷۷	۸	۴۲/۷۸	۴	II
ویژه ۲	۱	۸۶/۱۵	۱	۹۴/۱۱	۴	۴۸/۰۴	۱	I
۲-۱	۴	۶۰/۲۴	۳	۵۵/۳۷	۶	۴۶/۲۱	۵	II
۲-۲	۱۴	۲۹/۸۵	۱۴	۱۱/۴۶	۱۴	۱۳/۷۴	۱۴	IV
۲-۳	۸	۲۲/۱۶	۷	۴۵/۸۳	۱	۸۱/۵۳	۶	II
۳-۱	۱۲	۲۴/۰۴	۱۲	۱۸/۶۷	۷	۴۵/۴	۱۱	III
۳-۲	۲	۶۳/۹۲	۲	۶۱/۱۲	۲	۵۴/۶۴	۲	II
ویژه ۱	۶	۶۵/۵۵	۴	۵۳/۹۲	۳	۵۳/۶۵	۳	II
۴-۱	۷	۶۴/۲۷	۸	۳۶/۵	۱۱	۳۷/۷۳	۸	II
۴-۲	۳	۲۴/۴۳	۶	۵۳/۰۵	۵	۴۷/۷۴	۷	II
۴-۳	۹	۴۷/۱	۹	۳۳/۷۸	۱۲	۳۱/۸۷	۹	III
۵-۱	۱۳	۱۱/۹۹	۱۳	۱۷/۹	۱۰	۳۸/۵۱	۱۳	IV
۵-۲	۱۱	۲۶/۲	۱۱	۲۲/۵۲	۱۳	۲۷/۸۱	۱۲	III
ویژه صنعتی	۱۵	۱۱/۰۳	۱۵	۵/۶۱	۱۵	۱۹/۸۷	۱۵	IV

منبع: محاسبات نگارنده

نتایج حاصل از کاربرد ضریب همبستگی پیرسون بیانگر وجود همبستگی مستقیم بین شاخص‌های سه گانه در سطح محلات است به طوری که رابطه بین شاخص‌های نهایی اجتماعی با اقتصادی و اجتماعی با کالبدی معنی دار بوده اما سطح معنی داری شاخص اقتصادی با کالبدی غیر قابل قبول می‌باشد. در محاسبات انجام شده ضریب همبستگی بین شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی ۰/۸۴ در سطح معناداری ۰/۰۱ را نشان می‌دهد. رابطه بین شاخص نهایی اجتماعی با کالبدی نیز با ضریب همبستگی ۰/۵۷ در سطح معناداری ۰/۰۵ قابل قبول است اما

بین شاخص نهایی اقتصادی با کالبدی با وجود داشتن همبستگی مستقیم (۰/۲۱) رابطه معناداری حاصل نمی‌شود. وجود چنین رابطه‌ای نشان می‌دهد که در سطح شهر اسفراین معمولاً گروه‌هایی که از نظر شاخص‌های اجتماعی در سطح بالاتری قرار می‌گیرند، معمولاً از نظر اقتصادی نیز جزو اقشار مرفه‌تر هستند و بالعکس. وجود رابطه ضعیف‌تر بین ضریب نهایی شاخص کالبدی با شاخص اجتماعی و رابطه غیر قابل قبول آن با ضریب نهایی شاخص اقتصادی به دلیل سکونت اقشار با وضعیت برتر اقتصادی-اجتماعی در محلات مرکزی شهر است که در این محلات بناهای قدیمی‌تر و کم‌دوام‌تر بیشتری نسبت به محلات نوساز حاشیه‌ای وجود دارد.

جدول ۲ بررسی میزان همبستگی بین شاخص‌های نهایی

نوع شاخص	شاخص نهایی اقتصادی	شاخص نهایی اجتماعی	شاخص نهایی کالبدی
شاخص نهایی اقتصادی	-	۰/۸۴**	۰/۲۱
شاخص نهایی اجتماعی	۰/۸۴	-	۰/۵۷*
شاخص نهایی کالبدی	۰/۲۱	۰/۵۷	-

**۹۹٪ اطمینان (سطح معناداری ۰/۰۱)

*۹۵٪ اطمینان (سطح معناداری ۰/۰۵)



شکل ۱ سطح بندی محلات شهر اسفراین بر اساس وضعیت اقتصادی-اجتماعی ساکنین

جدول سرانه کاربری‌های خدماتی در محلات (جدول ۳) نشان می‌دهد که هم بین سرانه کاربری‌های مختلف در یک محله و هم بین سرانه کاربری‌ها در محلات مختلف در مقایسه با یکدیگر نوعی بی‌نظمی و عدم تعادل وجود دارد. به عنوان مثال در محله ۲-۲ و محله ۳-۳ از بین کاربری‌های مورد نظر تنها سه کاربری در سطح محله وجود دارد. و از طرف دیگر در محله ویژه صنعتی به دلیل وسعت زیاد محله و جمعیت کم آن سرانه کاربری‌ها در سطح بالاتری قرار دارد که اغلب این کاربری‌ها نیز جزو دسته کاربری‌های نامطلوب هستند. اغلب این ناهمگونی‌ها در سرانه کاربری‌ها در محلاتی است که از نظر وضعیت اجتماعی-اقتصادی ساکنین آن جزو محلات سطح چهار قرار گرفته‌اند.

جدول ۳ اطلاعات اولیه سرانه کاربری‌های خدمات شهری به تفکیک محلات

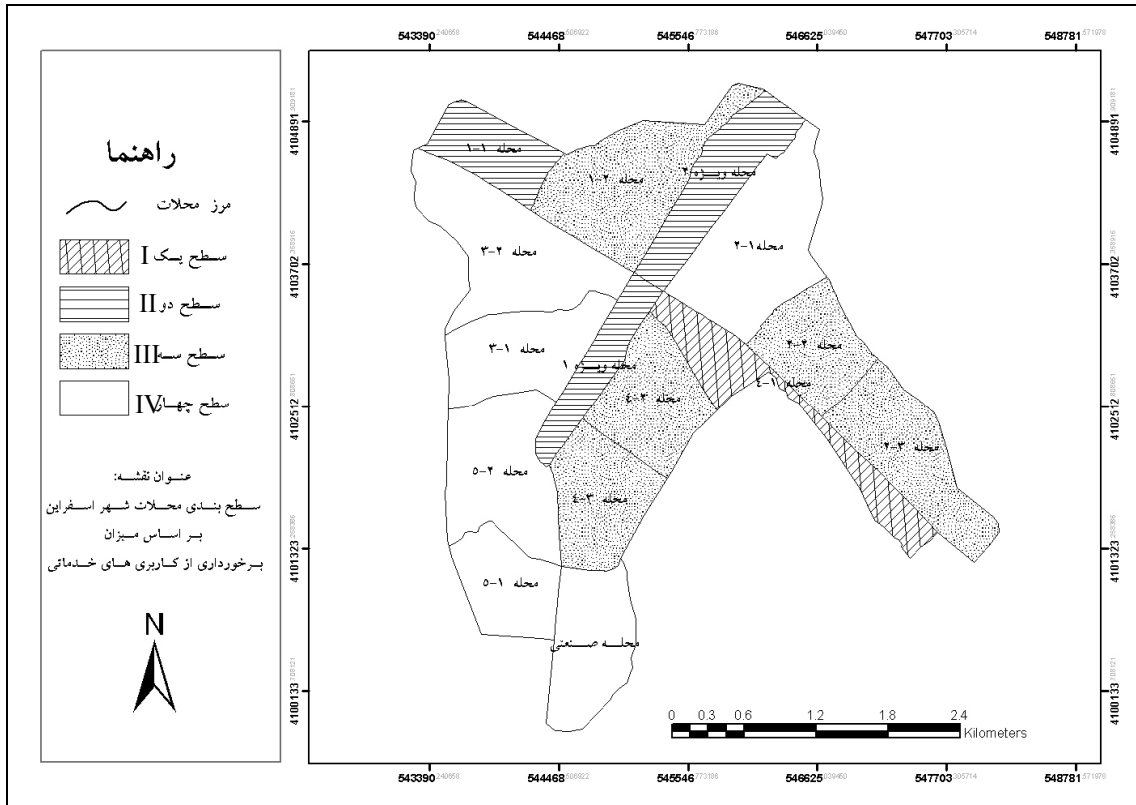
کاربری‌ها محلات	تجاری	آموزشی	فرهنگی	جهانگردی و پذیرایی	بهداشتی و درمانی	ورزشی	پارک و فضای سبز	مذهبی	صنعتی	انبار و حمل و نقل	تعمیرگاه و ترابری
۱-۱	۰/۶۲	۲/۹۳	۰	۰	۰	۰	۳۴/۲۸	۰/۲۸	۰/۰۶	۰/۳۳	۰
۱-۲	۱/۲۶	۲/۶۸	۰	۰	۰/۳۷	۰	۱۹/۹	۰/۰۸	۰/۱۶	۰	۰
ویژه ۲	۲/۶۱	۴/۳	۲/۱۲	۰/۰۱	۰	۰	۱۷/۷۳	۰	۰/۳۵	۰/۲	۰
۲-۱	۱/۱۴	۴/۲۴	۰/۱۱	۰/۰۳	۱/۵۶	۰	۰	۰/۱۱	۲/۷۷	۰/۰۴	۰
۲-۲	۰/۲۳	۱۶/۴۵	۰	۰	۰	۳/۴۲	۰	۰	۰	۰	۰
۲-۳	۰/۲۴	۰	۰	۰	۶۸/۶۸	۰	۳/۸	۰	۰	۰	۰
۳-۱	۱/۹۲	۲/۴	۰	۰	۰	۰	۰	۰/۵۵	۰/۲۹	۰/۵۵	۱/۱۶
۳-۲	۱/۳۱	۳/۳۲	۰	۰	۰	۰	۱/۵۲	۰/۰۹	۰	۰/۹۵	۰/۲۸
ویژه ۱	۶/۶۵	۲/۵۸	۰/۸۹	۰	۱/۱۲	۰	۰/۳	۰/۵۵	۰	۰/۲۳	۰/۰۸
۴-۱	۱/۷	۱/۴	۰	۰/۶۴	۰/۰۳	۰/۱۳	۰/۳۷	۰/۸۴	۰/۱۴	۰/۰۵	۰
۴-۲	۱/۱۵	۵/۱۳	۱/۹۸	۰	۰	۰	۰	۰/۴۳	۰/۲۱	۰/۰۳	۰
۴-۳	۰/۹۲	۵/۶۴	۰/۱۸	۰	۳/۰۴	۰	۰	۰/۴۳	۰/۱۸	۰/۴۳	۰/۱۵
۵-۱	۲/۹۷	۰	۰	۰	۳/۴۴	۴۰/۹۶	۱/۹۸	۰/۲۲	۰	۰/۷۲	۲/۷۶
۵-۲	۱/۰۷	۳/۲	۰	۰	۰	۰	۰/۳	۰	۰/۱۸	۲/۷	۰
ویژه صنعتی	۱۳/۴۷	۸/۷۸	۰	۰	۰	۲۸/۰۲	۳۰/۳۸	۰	۹۸/۰۲	۲۱/۱۷	۷۶/۲۷

منبع: طرح تفصیلی شهر اسفراین

دیگر یافته پژوهش در زمینه نحوه توزیع کاربری‌های شهری در سطح شهر اسفراین نیز بیانگر عدم تعادل در این زمینه و وجود تفاوت در سطح برخورداری ساکنین محلات مختلف از این خدمات است. به طوری که ضریب شاخص نهایی کاربری‌های خدمات شهری بین محلات متفاوت بوده و از حداقل ۲۸/۵۲ تا حداکثر ۴۷/۳۳ در نوسان می‌باشد (جدول ۴).

مهمترین یافته پژوهش به عنوان پاسخ سوال اصلی این تحقیق وجود رابطه مستقیم بین سطح اقتصادی-اجتماعی ساکنین محلات و میزان دسترسی به کاربری‌های خدمات شهری است. میزان همبستگی بین ضریب شاخص نهایی سطح اقتصادی-اجتماعی محلات با ضریب شاخص نهایی سطح برخورداری محلات از

کاربریهای شهری برابر با ۰/۵۴ بوده که در سطح معناداری ۰/۰۵ می باشد. وجود چنین رابطه ای نشان می دهد نحوه توزیع کاربری های شهری یکی از عوامل مهم در جدایی گزینی فضایی ساکنین شهر اسفراین بوده است.



شکل ۲ سطح بندی محلات شهر اسفراین بر اساس میزان برخورداری از کاربری های شهری

جدول ۴ رتبه و سطح بندی محلات شهر اسفراین بر اساس میزان برخورداری از کاربری های خدمات شهری

سطح کاربری خدماتی	رتبه نهایی	شاخص نهایی	تعمیرگاه و ترابری		انبار و حمل و نقل		صنعتی		مذهبی		پارک و فضای سبز		ورزشی		بهداشتی - درمانی		جهانگردی و پذیرایی		فرهنگی		آموزشی		تجاری		محلات		
			رتبه	مقدار	رتبه	مقدار	رتبه	مقدار	رتبه	مقدار	رتبه	مقدار	رتبه	مقدار	رتبه	مقدار	رتبه	مقدار	رتبه	مقدار	رتبه	مقدار	رتبه	مقدار		رتبه	مقدار
II	۵	۴۱/۱۳	۱	۱۰۰	۷	۹۸/۴۴	۲	۹۹/۹۴	۴	۳۳/۳۳	۱	۱۰۰	۵	۰	۸	۰	۴	۰	۶	۰	۹	۱۷/۸۱	۱۳	۲/۹۲	۱-۱		
III	۹	۵۳/۶۴	۱	۱۰۰	۱	۱۰۰	۴	۹۹/۸۴	۸	۹/۵۲	۳	۵۸/۰۵	۵	۰	۶	۰/۵۴	۴	۰	۶	۰	۱۰	۱۶/۲۹	۸	۷/۷۸	۱-۲		
II	۲	۴۵/۱	۱	۱۰۰	۵	۹۹/۰۵	۸	۹۹/۶۴	۹	۰	۴	۵۱/۷۲	۵	۰	۸	۰	۳	۱/۵۶	۱	۱۰۰	۵	۲۶/۱۴	۴	۱۷/۹۸	ویژه ۲		
IV	۱۰	۳۲/۲۶	۱	۱۰۰	۳	۹۹/۸۱	۹	۹۷/۱۷	۶	۱۳/۰۹	۱۰	۰	۵	۰	۴	۲/۲۷	۲	۴/۶۹	۵	۵/۱۹	۶	۲۵/۷۷	۱	۶/۸۷	۲-۱		
III	۷	۳۷/۱۲	۱	۱۰۰	۱	۱۰۰	۱	۱۰۰	۹	۰	۱۰	۰	۳	۸/۳۵	۸	۰	۴	۰	۶	۰	۱	۱۰۰	۱۵	۰	۲-۲		
III	۶	۳۷/۳۸	۱	۱۰۰	۱	۱۰۰	۱	۱۰۰	۹	۰	۵	۱۱/۰۸	۵	۰	۱	۱۰۰	۴	۰	۶	۰	۱۴	۰	۱۴	۰/۰۷	۲-۳		
IV	۱۲	۳۱/۶۳	۵	۵۷/۹۷	۹	۹۷/۴	۷	۹۹/۷	۲	۶۵/۴۸	۱۰	۰	۵	۰	۸	۰	۴	۰	۶	۰	۱۲	۱۴/۵۹	۵	۱۲/۷۶	۳-۱		
IV	۱۳	۲۹/۸۹	۴	۸۹/۸۵	۱۱	۹۵/۵۱	۱	۱۰۰	۷	۱۰/۷۱	۷	۴/۴۳	۵	۰	۸	۰	۴	۰	۶	۰	۷	۲۰/۱۸	۷	۸/۱۶	۳-۲		
II	۴	۴۲/۷۴	۲	۹۷/۱	۶	۹۸/۹۱	۱	۱۰۰	۲	۶۵/۴۸	۹	۰/۸۷	۵	۰	۵	۱/۶۳	۴	۰	۳	۴۱/۹۸	۱۱	۱۵/۶۸	۲	۴۸/۴۹	ویژه ۱		
I	۱	۴۷/۳۳	۱	۱۰۰	۴	۹۹/۷۶	۳	۹۹/۸۶	۱	۱۰۰	۸	۱/۰۸	۴	۰/۳۲	۷	۰/۰۴	۱	۱۰۰	۶	۰	۱۳	۸/۵۱	۶	۱۱/۱	۴-۱		
III	۳	۴۳/۸۵	۱	۱۰۰	۲	۹۹/۸۶	۶	۹۹/۷۹	۳	۵۱/۱۹	۱۰	۰	۵	۰	۸	۰	۴	۰	۲	۹۳/۳۹	۴	۳۱/۱۸	۹	۶/۹۵	۴-۲		
III	۸	۳۶	۳	۹۴/۵۶	۸	۹۷/۹۷	۵	۹۹/۸۲	۳	۵۱/۱۹	۱۰	۰	۵	۰	۳	۴/۴۳	۴	۰	۴	۸/۴۹	۳	۳۴/۲۹	۱۲	۵/۲۱	۴-۳		
IV	۱۱	۳۲/۲۱	۷	۰	۱۰	۹۶/۶	۱	۱۰۰	۵	۲۶/۱۹	۶	۵/۷۸	۱	۱۰۰	۲	۵/۰۹	۴	۰	۶	۰	۱۴	۰	۳	۲۰/۶۹	۵-۱		
IV	۱۵	۲۸/۵۲	۱	۱۰۰	۱۲	۸۷/۲۵	۵	۹۹/۸۲	۹	۰	۹	۸۷	۵	۰	۸	۰	۴	۰	۶	۰	۸	۱۹/۴۵	۱۱	۶/۳۴	۵-۲		
IV	۱۴	۲۹/۸۳	۶	۱۷/۷۵	۱۳	۰	۱۰	۰	۹	۰	۲	۸۸/۶۷	۲	۶۸/۴۱	۸	۰	۴	۰	۶	۰	۲	۵۳/۳۷	۱	۱۰۰	ویژه صنعتی		

منبع: محاسبات نگارنده روی جدول ۳

بحث و نتیجه گیری

در کنار آرمان توسعه و پیشرفت در فرآیند برنامه ریزی، وجود تعادل و هماهنگی بین نواحی مورد نظر در برخورداری از مواهب توسعه امر ضروری است که در صورت عدم رعایت آن سرمایه گذاری های انجام شده نه تنها باعث توسعه نخواهد شد بلکه نابرابری های موجود را عمیق تر نموده و باعث رشد غده ای و ناهماهنگی با توان ها و ظرفیت های محیطی می گردد.

در این مقاله وضعیت اقتصادی- اجتماعی و میزان برخورداری محلات شهر اسفراین از کاربری های شهری بررسی شد. نتایج به دست آمده نشان می دهد نوعی جدایی گزینی فضایی بر اساس وضعیت اقتصادی- اجتماعی بین ساکنین شهر اسفراین اتفاق افتاده است. به طوریکه بخش های مرکزی شهر با وجود داشتن بناهای قدیمی و بافت فیزیکی در حال تحول هنوز محل سکونت اقشار مرفه تر جامعه شهری بوده و در جهت شمالی شهر رو به گسترش است.

از دیگر نتایج به دست آمده در این پژوهش، وجود ارتباط معنی دار بین وضعیت اقتصادی- اجتماعی ساکنین محلات با سطح برخورداری از کاربری های خدماتی شهری است. بررسی این شاخص ها نشان می دهد که برخورداری از کاربری های شهری مطلوب و سازگار با کاربری مسکونی از ویژگی های اصلی محلاتی است که اقشار اجتماعی دارای شرایط اقتصادی- اجتماعی بالاتر در آن ساکن می باشند. در صورتی که در محلاتی که محل سکونت اقشار ضعیف تر جامعه است معمولاً سرانه های کاربری های شهری مطلوب پائین تر و در مقابل سرانه کاربری های شهری مزاحم و ناسازگار با کاربری مسکونی بالاتر است که این خود بیانگر نبود عدالت در توزیع خدمات عمومی بوده و زمینه ساز جدایی گزینی های مسکونی و عمیق تر شدن شکاف موجود بین سطح توسعه یافتگی محلات می شود.

با وجود اینکه جدایی گزینی گروه های درآمدی و اجتماعی و نیز نابرابری اجتماعی در برخورداری از کاربری های خدمات شهری در بین محلات شهر کوچکی چون اسفراین به اندازه شهرهای بزرگ کشور شدید و نگران کننده نیست اما عدم برنامه ریزی صحیح در این زمینه و تداوم شرایط موجود باعث عمیق تر شدن شکاف موجود و در نتیجه افزایش بی عدالتی های آتی خواهد شد زیرا مشکلات حادی که در شهرهای بزرگ امروزی به وجود آمده ریشه در تصمیمات متولیان شهری گذشته دارد.

چنانچه در مقایسه وضعیت برخورداری محلات تنها به محاسبه سرانه کاربری ها اکتفا شود. نتایج حاصله با اصول عدالت اجتماعی همخوانی نخواهد داشت زیرا کیفیت کاربری ها نیز نکته بسیار مهمی است که اغلب در توجیحات آماری نادیده گرفته می شوند. چنانکه در بین محلات شهر اسفراین با وجود اینکه سرانه بسیاری از کاربری ها مناسب است اما در عمل چنین کاربری هایی به هیچ عنوان از کیفیت لازم برای ارائه خدمات به ساکنین برخوردار نیستند. بنابراین علاوه بر اختصاص کاربری های مورد نیاز محلات فقیرنشین، ارتقاء کیفیت این کاربری ها نیز باید با جدیت دنبال شود تا در کاهش نابرابری های فضایی مؤثر باشد.

تقسیمات درون شهری صحیح و همه جانبه یکی از مهمترین عوامل مؤثر در نحوه توزیع کاربری‌های خدماتی با توجه به الگوی سلسله‌مراتبی آن‌ها است. در این پژوهش به منظور استفاده از آمار سرانه کاربری‌ها، از تقسیمات درون شهری انجام گرفته در طرح تفصیلی استفاده شده است که به نظر می‌رسد مهمترین ملاک آن الگوی شبکه حمل و نقل بوده و پیشینه محلات و مسائل اجتماعی و فرهنگی در آن نادیده گرفته شده است. بدیهی است چنانچه در ترسیم مرز محلات ویژگی‌های انسانی بیش از مد نظر قرار می‌گرفت، می‌توانست راهگشای برنامه‌ریزان در شناخت تفاوت سطح زندگی شهروندان، میزان برخورداری‌ها، تشخیص مراکز محله‌ای و به طور کلی شناخت فرصت‌ها و تهدیدهای موجود در شهر اسفراین بوده و زمینه‌های لازم را برای تقویت محلات محروم تر و کاهش نابرابری‌ها فراهم نماید.

منابع

- افروغ، عماد، ۱۳۷۷؛ فضا و نابرابری اجتماعی، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
- بشیریه، حسین، ۱۳۷۵؛ تاریخ اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم: فلسفه سیاسی جان رالز، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، سال ۱۱، شماره ۱ و ۲، صص ۴۳-۳۶.
- تامین، ملوین، ۱۳۷۳؛ جامعه‌شناسی قشربندی و نابرابری‌های اجتماعی، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، نشر توتیا.
- جاجرمی، کاظم و ابراهیم کلتی، ۱۳۸۵؛ سنجش وضعیت شاخص‌های کیفیت زندگی در شهر از نظر شهروندان، مطالعه موردی: گنبد قابوس، مجله جغرافیا و توسعه، سال چهارم، شماره ۸، صص ۱۸-۱.
- حاتمی نژاد، حسین و عمران راستی، ۱۳۸۵؛ عدالت اجتماعی و عدالت فضایی؛ بررسی و مقایسه نظریات جان رالز و دیوید هاروی، نشریه سرزمین، سال سوم، شماره ۹، صص ۵۰-۳۸.
- شاه حسینی، پروانه، ۱۳۸۴؛ سکونتگاه خودرو و امنیت اجتماعی مورد: شهر پاکدشت، مجله جغرافیا و توسعه، سال سوم، شماره ۶، صص ۱۷۲-۱۵۷.
- شریف زادگان، محمدحسین، ۱۳۸۵؛ راهبردهای توسعه اقتصادی و عدالت اجتماعی، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۴، صص ۲۹-۹.
- شریفی، عبدالنبی، ۱۳۸۵؛ عدالت اجتماعی و شهر: تحلیلی بر نابرابری‌های منطقه‌ای در شهر اهواز، پایان نامه دوره دکتری جغرافیا گرایش برنامه ریزی شهری، دانشگاه تهران.
- شکویی، حسین، ۱۳۷۸؛ اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، انتشارات گیتاشناسی، چاپ سوم.
- شکویی، حسین، ۱۳۷۹؛ دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، انتشارات سمت، چاپ چهارم.
- شکویی، حسین، ۱۳۸۲؛ اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، جلد دوم: فلسفه‌های محیطی و مکتب‌های جغرافیایی، انتشارات گیتاشناسی.
- عبدی دانشپور، زهره، ۱۳۷۸؛ تحلیل عدم تعادل فضایی در شهرها، مورد تهران، نشریه صفه، سال نهم، شماره ۲۹، صص ۵۷-۳۴.
- فرهودی، رحمت‌ا...، ۱۳۸۳؛ تکنیک‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای، درسنامه کارشناسی ارشد، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران.

- کمالی، علی، ۱۳۷۹؛ مقدمه ای بر جامعه شناسی نابرابری های اجتماعی، انتشارات سمت، تهران.
- مرصوص، نفیسه، ۱۳۸۲؛ تحلیل فضایی عدالت اجتماعی در شهر تهران، پایان نامه دوره دکتری جغرافیا گرایش برنامه ریزی شهری، دانشگاه تربیت مدرس.
- وزارت مسکن و شهرسازی، مهندسین مشاور معمار و شهرساز پارت، ۱۳۸۳؛ طرح تفصیلی شهر اسفراین.
- هاروی، دیوید، ۱۳۷۶؛ عدالت اجتماعی و شهر، ترجمه فرخ حسامیان و دیگران، انتشارات شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری، چاپ اول.

- Barry, B., 1989, Theories of justice London, harvester-wheat sheaf.
- Blory, J. *et al.*, 2005, Urban Environment Spatial Fragmentation and Social Segregation in Latin America: Where Does Innovation Lie? Habitat International, 29, pp 627-645.
- Daniere, A.G. and Takahashi, L.M., 1999, poverty and Access: Differences and Commonalties across Slum Communities in Bangkok. Habit at intl. V. 23, N. 2, pp 271-288.
- Harvey, D., 1969, Explanation in Geography, Edvard Arnold.
- Jonston, R. J. *et al.*, 1994, Dictionary of Human Geography (third edition), Black well, G. B.
- Smith, D. M., 1996, "The quality of life" Human Welfare and Social Justice in Companion Encyclopedia of Geographers, V. 70, N.2.